

December 2024

DOI: 10.13140/RG.2.2.12482.29125

## اقبال و تنمة اليتيمة

بو منصور عبد الملك بن محمد بن اسماعيل ثعالبي نيشابوري اديب و لغت شناس ایرانی (۳۵۰-۴۲۹ق/۹۶۲-۱۰۳۸م). منابع اطلاعات گسترده ای از زندگی وی در اختیار نمی گذارند ؛ با این همه محمود عبدالله جادر با استناد به آثار ثعالبي كتاب *الثعالبي ناقدًا و اديبًا* را که در واقع پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اوست در بغداد منتشر کرد (۱۹۷۶م). كتاب حامد خطيب با عنوان *الثعالبي ناقدًا في يتيمة الدهر* (قاهره ۱۹۸۸م) نیز اثر دیگری است که به ثعالبي پرداخته



است. محمد باقر حسینی هم به زبان فارسی شرح احوال وی را نگاشته و کتابش را *جاحظ نیشابور* نام نهاده است که توسط دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسیده است. مقاله راوسن<sup>۱</sup> در *دائرة المعارف اسلام*<sup>۲</sup> و آنچه استاد دکتر آذرنوش برای *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* نوشته اند و بنده توفیق مطالعه آن را پیش از آن که به چاپ برسد داشته ام و همچنین مقاله

عارف ابو خلف زغلول در *دانشنامه جهان اسلام* علاقه مندان به تحقیق را بی تردید اقناع و ما را از پرداختن به شرح حال او بی نیاز می کند<sup>۳</sup>. ثعالبي دانشمندی است سخت پرکار و کثرت آثارش گواهی نیک است بردامنه دانش و اطلاعات او. دکتر آذرنوش در بخش آثار مقاله ثعالبي می نویسند: «هیچگاه نمی توان برای آثار ثعالبي فهرستی نهایی تدارک دید» با این همه ایشان فهرست بسیار خوبی تدارک دیده اند که بر دیگر فهرستهای ارائه شده برتری دارد و بر نظمی خاص استوار است (کتابهای چاپی، کتابهای خطی، کتابهای

<sup>1</sup> E.K.Rowson

<sup>2</sup> The Encyclopaedia of islam

<sup>۳</sup> برای آگاهی از منابعی که به شرح حال ثعالبي پرداخته اند رک: سزگین، ۸ (۱)/۴۳۲؛

مفقود، کتابهایی که به اشتباه به وی نسبت داده شده است). اساساً آثار ثعالبی را به سه دسته می توان تقسیم نمود:

۱. شرح حالها و برگزیده های شعری

۲. مجموعه های ادبی و تاریخی؛ امثال و حکم و حکایات

۳. فقه اللغة ( زبانشناسی)<sup>۱</sup>

صفدی حدود ۷۰ اثر از وی را نام می برد<sup>۲</sup> و بهترین آنها را *یتیمه الدهر* و *تتمة الیتیمه* معرفی می کند<sup>۳</sup>.

### *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*

ارزشمند ترین اثر ثعالبی است و مؤلف شهرت خود را مدیون آن است. *یتیمه الدهر* نخستین کتاب در زمینه شرح حال نویسی است که براساس اماکن و مناطق جغرافیایی تقسیم بندی شده است. و همین امر وجه تمایز مهمی میان این اثر و دیگر تراجمی است که قبل از وی به نگارش در آمده است. ثعالبی در این کتاب شرح حال و گزیده آثار منظوم و گاه منثور شاعران و ادیبان سده ۴ و اوائل سده ۵ ق را که به رغم پراکندگی و از هم گسیختگی، از دورانهای پراهمیت در تاریخ ادبیات است، نگاشته و از همین روی برای پژوهش در زمینه وضعیت اجتماعی و سیاسی آن روزگار مأخذی مهم و ارزشمند به شمار می رود از سوی دیگر این کتاب بیانگر اعتبار ادب و فرهنگ عربی در ایران بویژه ناحیه خراسان است<sup>۴</sup>. *یتیمه الدهر* تحلیل ها و تفسیر های گوناگونی از پدیده های ادبی عصر خود ارائه می دهد و در خصوص بسیاری از معرکه ها و انجمن های ادبی در کاخهای خلفاء و وزیران به بحث می نشیند.

<sup>۱</sup> البته در معنای خاص آن

<sup>۲</sup> الوافی بالوفیات، ۱۵۸۰۷-۱۵۸۱۰

<sup>۳</sup> همان، ۱۵۸۰۷؛ سرکیس، ۶۵۶/۱.

<sup>۴</sup> رک: آذرنوش، ۱۲۹، بب.

مؤلف نگارش کتاب را در ۳۸۴ق آغاز کرد تا آن را به یکی از وزیران اهدا نماید(ثعالبی، مقدمه یتیمه الدهر، ۲۶/۱) و در مدت زمانی اندک آن را به پایان می رساند اما به گفته خود او نتوانسته حق کتاب را آن گونه که شایسته است ادا نماید. با گذشت ایام و پس از آنکه ثعالبی ارزش کار خود را احساس می کند آن را مورد بازبینی قرار می دهد و به ترمیم و تکمیلش می پردازد و سرانجام در کهنسالی (احتمالاً میان سالهای ۴۰۳-۴۰۲ق) از کتابت نسخه دوم یتیمه فارغ می آید ( نک: ثعالبی، مقدمه یتیمه، ص ۲۶-۲۸؛ اقبال، مقدمه یتیمه الیتیمه، ۳/۱؛ جادر، ۸۹؛ حسینی، ۱۱۵-۱۱۸؛ مبارک، ۲/۲۲۷). مؤلف در نسخه اخیر ترتیب را تغییر داده و به کتاب نظم و استواری خاص بخشیده است(ثعالبی، مقدمه یتیمه، ۲۸/۱). ثعالبی در یتیمه الدهر تنها به بیان شرح حال و ذکر شواهد و نمونه های شعری اکتفا نمی کند بلکه گاه دیدگاهها و تحلیل های ناقدانه خویش را نیز بیان میدارد که بر ذوق وافر ادبی او دلالت دارد او همچنین سرقات ادبی شعرا را متذکر می شود(محمد قمیحه، ۴-۸). ابن قلاّس اسکندری (۵۳۲-۵۶۷ق)<sup>۱</sup> در باره یتیمه الدهر چنین سروده است:

أبياتُ أشعارِ اليتيمة      أبكارُ أفكارٍ قديمة

ماتُوا و عاشتْ بعدهم      فلذلك سُميت اليتيمة<sup>۲</sup>

یتیمه الدهر به چهار بخش تقسیم می شود و هریکس دارای ۱۰ فصل است از این قرار:

۱. شعروأخبارحمدانیان و شاعران آنان و دیگر شامیان ، مصر، موصل و مغرب:

۱- برتری شاعران شام بر دیگر بلاد و سبب آن. ۲. سیف الدوله و شعر او. ۳. أبو فراس اخبار و شعر او. ۴. نکاتی در خصوص شعر آل حمدان و دیگر امیران شام ، قضاة و نویسندگان. ۵. ابو طیب متنبی. ذکر معایب و محاسن شعر متنبی شاعر پرآوازه عرب در این فصل طولانی(حدود ۱۵۰ صفحه) خواندنی است. این بخش در ۱۹۱۵م با عنوان *ابوالطیب المتنبی: ما له و ما علیه*

<sup>۱</sup> ادیب و شاعر اواخر عصر فاطمیان و اوایل عصر ایوبیان در مصر.

<sup>۲</sup> سروده هایی که در یتیمه گرد آمده (حاصل) اندیشه های ناب کهن است ، صاحبان آن اندیشه ها در گذشتند و یتیمه به زندگی خود ادامه داد و هم از این رو یتیمه خوانده شد.

به صورت مستقل به چاپ می رسد. ۶. یاد آنان که لقب نامی و ناشی و زاهی دارند و گزیده ای از بهترین سروده های آنان. ۷. ابوالفرج عبدالواحد بیغاء نظم و نثر او. ۸. خلیع شامی، وأواء دمشقی و ابوطالب رقی. ۹. نکاتی در باره اهل شام، مصر و مغرب سروده ها و نوادر آنان. ۱۰. شاعران موصل و اشعارشان

## ۲- اخبار امیران و صاحب منصبان شاعر آل بویه و سروده های آنان:

۱. پادشاهان شاعر چون عضد الدولة أ بوشجاع فنا خسرو بن رکن الدولة. ۲. مهلبی وزیر، اخبار و شعر او. ۳. اسحاق صابی. ۴. یاد سه تن از نویسندگان آل بویه. ۵. شاعران بصره. ۶. گروهی از شاعران عراق و اطراف آن به جز بغداد. ۷. گروهی از شاعران بغداد. ۸. نکاتی در باره مقلین بغداد. ۹. سروده های وزیر ابونصر شاپور بن اردشیر. ۱۰. ابوالحسن رضی موسوی

## ۳- شاعران جبال، فارس گرگان و طبرستان:

۱. ابن عمید. ۲. فرزند ابن عمید ابوالفتح ذوالکفایتین. ۳. صاحب بن عباد. ۴. ابراهیم ضبی. ۵. برخی از شاعران اصفهان. ۶. برخی شاعران که با صاحب بن عباد دیدار داشته اند.<sup>۱</sup> ۷. دیگر شاعران جبل. ۸. شاعران فارس و اهواز(به جز آنان که در میان ساکنان عراق یاد شد). ۹. شاعران و نویسندگان گرگان و طبرستان. ۱۰. قابوس بن وشمگیر.

## ۴- شاعران خراسان و ما وراء النهر<sup>۲</sup>:

۱. اخبار بیست تن از شاعران و نویسندگان که نزدیک به عصر ثعالبی می زیستند این بخش با ابواحمد ابوبکر کاتب آغاز و به ابوالقاسم علی بن محمد اسکافی نیشابوری خاتمه می یابد. ۲.

<sup>۱</sup> نیمه دوم قرن ۴ق را باید عصر صاحب بن عباد (۳۸۵ق) خواند. بخش اعظم روایتهای شرقی یتیمه در توضیح رابطه بزرگان با صاحب تدوین شده است: سخنان و اشعار خود او، کسانی که در فلان شهر به خدمتش رسیده اند، مداحان او، منتقدان و مرثیه گوینان او... (آذرنوش، ۱۳۹)

<sup>۲</sup> باریبه دومنار (Barbier DE Meynard) این بخش از یتیمه /الدهر را به زبان فرانسه ترجمه کرده است (آسیاتیکا، شمد 2، 1853؛ شمد 3، 1854)

ساکنان بخارا و معاصر با مؤلف (ثعالبی). ۳. شاعران دربار مأمونی و واثقی. ۴. دانشمندان و فضای خوارزم. ۵. بدیع الزمان همدانی. ۶. ابو الفتح علی بن محمد کاتب بُستی و چند شاعر دیگر از بُست. ۷. اخبار ۱۵ تن از شاعران خراسان به جز نیشابور. ۸. اخبار امیر ابوالفضل عبیدالله بن احمد میکالی. ۹. اخبار کسانی که از دیگر بلاد به نیشابور آمده بودند. ۱۰. نیشابوریان.

ثعالبی غالباً در ارائه شرح حال ها بر مشافهه مستقیم با صاحب شرح حال یا مشافهه غیر مستقیم استناد می کند و در مواردی نادر به دیوان شعرا مراجعه و از آنها برمی گزیند و همین امر سبب شده تاریخ نویسان به نوشته های او اعتماد کنند و معاصرانی چون دکتر زکی مبارک و دکتر عمر الدقاق نیز آن را منبعی دقیق در شرح احوال شاعران و ادیبان سده ۴ ق بدانند (رک: جادر، ۹۲-۹۳).

مُحی الدین عبد الحمید در مقدمه خود بر یتیمه دو نکته را در باره این اثر متذکر می گردد و آنها را از عیوب یتیمه می داند (ص ۱۶-۱۷): یکی آن که مؤلف در کتاب خود فصلی ویژه شاعران شام و برتری آنان بر شاعران دیگر بلاد گشوده و آن را مطلع کتاب خود قرار می دهد (الباب الاول فی فضل شعراء الشام علی شعراء سائر البلدان و ذکر السبب فی ذلک) و در آغاز این فصل می گوید: «لم یزل شعراء عرب الشام و ما یقاربها أشعر من شعراء عرب العراق و ما یجاورها فی الجاهلیة و الاسلام و الکلام یطول فی ذکر المتقدمین منهم» (ثعالبی، یتیمه الدهر، ۳۳/۱) او سبب این برتری را نزدیکی عراق به ایران و در آمیختن اهل عراق با فارسیان می داند و نزدیکی شامیان با رومیان و اختلاطشان با یکدیگر را فراموش کرده است (عبد الحمید، ۸-۱۰؛ نیز رک: کرد علی، ۲۳۴). دیگر آن که هنگام گفتگو از پادشاهان و امیران شاعر، جانب اعتدال را در ستایش نگاه نمی دارد و اشعار ضعیف آنان را نیز نقل می کند و نمونه بارز آن زمانی است که از علی سیف الدوله حمدانی سخن می گوید (محی الدین عبد الحمید، ۹-۱۰). از دیگر عیوبی که بر یتیمه الدهر وارد شده آن است که ثعالبی از ذکر تاریخ و فیات آنان که به شرح حالشان پرداخته غافل شده است و اگر این کار را انجام می داد یکی از واجب ترین حقوق تاریخ ادبیات را بجای آورده بود نیز گفته شده که در این کتاب به سجع و آهنگ کلام بیش از تحلیل شاعر و شعر او توجه شده است به گونه ای که می توان شرح حال یک شاعر را برداشت و به جای شرح احوال شعری دیگر نهاد به هر حال سجع او را مقبول دانسته اند (رک: ۵).

مبارک، ۲۲۸/۲-۲۳۰؛ جادر، ۹۳-۹۴؛ امین، ۱۲۲/۲). فاخوری ایجاز در شرح حال شعرا را در این کتاب از نواقص آن می داند<sup>۱</sup> (تاریخ الادب العربی، ۷۴۸). کمبود تحلیلهای ناقدانه، عدم یکنواختی شرح حالها از نظر حجم، انتخاب بیش از حد غزل بدانگونه که پنداری شاعران جز غزل نسروده اند و کثرت مجون از دیگر ایراداتی است که به یتیمه وارد کرده اند.

ابن خلکان بر آن است یتیمه الدهر ذیلی است بر کتاب البارع اثر ابن منجم (وفیات الاعیان، ۳۷۸۶) و حاجی خلیفه هم از این نظر پیروی می کند (کشف الظنون، ۸۲۹/۲). ثعالبی خود در مقدمه بدین امر تصریح نمی کند اما بدون تردید وجود کتابهایی نظیر البارع و طبقات الشعراء ابن معتر برای انجام این کار ایجاد انگیزه کرده اند (محبی الدین عبدالحمید، مقدمه بر یتیمه، ۱۱/۱-۱۲). این کتاب که شاید بتوان گفت در خصوص بسیاری از شاعران سده ۴ ق تنها منبع و مأخذ معتبر است و مؤرخان و شرح حال نویسان و ادیبان در جای جای آثار خود از آن بهره برده اند، نهضتی ادبی رادر عصر خود به ثبت رسانید و الگویی برای بسیاری از آثار مشابه پس از خود گشت و خاستگاه پدید آمدن آثاری مشابه گردید و گروهی برآن ذیل نوشتند (حاجی خلیفه، ۸۳۰/۲-۸۲۹) :

۱- دُمیة القَصْر و عَصْرَة أَهْل العَصْرِ تألیف ابو الحسن علی بن حسن باخَرَزی (۴۶۷د) (همو، ۵۸۰/۱) که آن را به سبک ثعالبی نوشته است. بر دُمیة القصر دو ذیل نوشته شده است:

۱-۱. زینة الدهر فی صرة أهل العصر اثر ابو المعالی سعد بن علی وراق حظیری (۵۶۸د ق)

در یک مجلد (حاجی خلیفه، ۲۲/۱)

۱-۲. وشاح دُمیة القصر و لِقَاح روضة العصر اثر ابو الحسن علی بن زید بیهقی (همو، ۵۸۰/۱)

؛ ۸۰۰/۲)

۲- خَریدة القصر و جَریدة أهل العصر تألیف عمادالدین اصفهانی (۵۹۷د) در ۱۰ جلد (همو، ۸۳۰/۲)

<sup>۱</sup> برای برخی از شاعران نیز هیچگونه شرح حالی نیامده است.

تقی الدین بن عبد القادر مصری (۹۵۰-۱۰۰۵ یا ۱۰۱۰ق) یتیمه را تلخیص نموده و حجم آن را به نصف رسانیده است (همانجا؛ نیز رک: بغدادی، هدیه، ۲۴۵/۱).

*الذخيرة في محاسن أهل الجزيرة* اثر ابن بسام (۵۴۲د) نیز به تصریح خود او<sup>۱</sup> در مقدمه کتابش (*الذخيرة*، ۱/۱) تکمله ای است برای یتیمه الدهر ثعالبی که به شاعران اندلس اختصاص دارد. طه حسین در مقدمه ای که بر *الذخيرة* نگاشته یکی از انگیزه های مهم ابن بسام در تألیف *الذخيرة* را تقلید از ثعالبی می داند و می گوید ابن بسام در توجه به شاهان و امیران و صاحب منصبان از شیوه ثعالبی استفاده کرده است با این همه اثر ابن بسام را عمیق تر و دقیقتر ارزیابی می کند (رک: مقدمه کتاب *الذخيرة*؛ ۱/الف و ب).

یاقوت هنگام سخن از خط زیبای محمد بن اسحاق بحاثی اظهار داشته نسخه ای از یتیمه را به خط او دیده که به ۳۰ دینار نیشابوری به فروش رفته است (معجم الادباء، ۴۴۲۱) و این امر علاوه بر ارزش خط بحاثی بر ارزش نسخه خطی کتاب هم دلالت دارد. نسخه های کامل و ناقص خطی یتیمه الدهر در کتابخانه های مختلف چون کمبریج (شم: ۱۲۲۴)؛ اسکوریال (شم: ۱/۳۵۰)؛ بانکپور (شم: ۷۹۱)؛ گوتا (شم: ۲۱۲۷)؛ پرینستون (شم: ۱۸۴-۱۸۳)؛ برلین (شم: ۷۴۰۱-۷۴۰۶) و استانبول نگهداری می شود (بروکلمان، ۳۳۸-۳۳۷، ۱/۲۸۴، ذیل، ۵۰۰-۴۹۹؛ اسکوریال، ۲۲۳؛ بانکپور، XII/۱۲۴؛ پرچ، ۴/۱۵۶؛ حتی، ۷۲؛ عواد، ۳۱۱/۱-۳۱۲؛ آلوارت، ج ۶؛ نیز نک: سزگین، ۲ (شعر) ۵۹۲-۵۹۳، ۹۰۴).

دکتر جادر می گوید یتیمه نخستین بار در ۱۳۰۴ق/۱۸۸۷م در دمشق و در ۴ مجلد بدون فهرست منتشر شده است (الثعالبی ناقد و ادیب، ۸۹؛ بروکلمان، ۱/۳۳۸). در ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م فهرست اعلام، اشعار، اماکن و نام کتابهای یتیمه با عنوان *فریدة العصر فی جداول یتیمه الدهر* در کلکته و توسط مولوی ابوموسی احمد الحق<sup>۲</sup> منتشر شد. در ۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م کتاب با مقدمه محمد محیی الدین عبدالحمید در ۴ جلد در قاهره چاپ گردید. در ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م نیز به کوشش مفید محمد قمیحه در ۵ مجلد در بیروت منتشر شد که جلد پنجم تتمة

<sup>۱</sup> ... و انما ذکرته هؤلاء انتساء بأبی منصور فی تألیفه المشهور المترجم بـ «یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر».

الیتیمه است (رک: دنباله مقاله). کحاله در دارالکتب ظاهریه نسخه ای از یتیمه را به خط محمد علی اصفهانی یافته و می گوید با مطالعه این نسخه مشخص میگردد ناشران دو نسخه چاپ شده در قاهره و دمشق از آن اطلاعی نداشته اند. وی می گوید مصحح نسخه دمشق اظهار داشته که نسخ متعددی را مقابله کرده و از آن جمله نسخه ای است به خط شیخ احمد شاهینی و ناشر نسخه مصری نیز در چاپ کتاب بر نسخه های موجود در دارالکتب المصریه (شم: ۴۶۱۱، ۷۷۵۳، ۸۵۱) تکیه کرده است لیکن اگر به نسخه دارالکتب ظاهریه به خط محمد علی اصفهانی مراجعه کنیم می بینیم در واژه ها، بخشی از ترتیبا و افزوده ها با دو نسخه چاپ شده متفاوت است و گاه فاقد برخی از ابیات آنهاست (نک: مجلة المجمع العلمی العربی، ۵ و ۶/ ۲۷۲-۲۷۴).

#### تتمه الیتیمه:

تتمه الیتیمه در حقیقت نخستین ذیلی است که توسط خود ثعالبی بر یتیمه نگاشته شده است آنگاه دیگران بدین امر اقدام کرده اند که از آنان هنگام سخن از یتیمه یاد شد. حاجی خلیفه (کشف الظنون، ۲/ ۸۲۹-۸۳۰) هنگام بر شمردن ذیول یتیمه از کتابی با عنوان یتیمه الیتیمه نام می برد و می گوید حسن بن مظفر نیشابوری (د ۴۴۲ق) بر آن ذیل نوشته است که به احتمال بسیار قوی همان تتمه الیتیمه است چه صفدی هنگام بر شمردن آثار ابوعلی حسن بن مظفر نیشابوری ذیل تتمه الیتیمه را در زمره آثار او میآورد (الوافی بالوفیات، ۹۷۵۱). اقبال نیز می نویسد: «حاجی خلیفه تحت عنوان یتیمه بوجود ذیلی بر یتیمه اشاره می کند و نام آن را صریحا می برد لیکن این اسم بغلط در کشف الظنون چاپی یتیمه الیتیمه بجای تتمه الیتیمه بطبع رسیده...» (مقدمه تتمه، ۱/ ۶). یاقوت وصفدی از آن با عنوان التتمه یا تتمه الیتیمه یاد کرده اند (نک: الوافی بالوفیات، ۴۵۹۵، ۲۶۹۶، ۱۶۷۳، ۱۲۹۵؛ معجم الادباء، ۴۴۲۴، ۲۹۲۷، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱). ثعالبی خود در جایگاههای گوناگون از این کتاب به اختصار با عنوان التتمه یاد کرده است مثلا در آغاز شرح حال ابوالقاسم غانم بن محمد بن ابی العلاء اصفهانی می گوید: «تضمن کتاب الیتیمه قلیلا من شعره و قد کررت ذکره فی التتمه...» (ثعالبی، تتمه الیتیمه، ۱/ ۱۱۹) و یا در شرح احوال ابوسعید علی بن محمد بن خلف همدانی می نویسد: «قد تقدم ذکره فی الیتیمه و تکرر فی التتمه ملح و غرر من بدايعه...» (همان، ۱۲۶؛ نیز رک: جادر، ۱۴۳-۱۴۴). ثعالبی در مقدمه تتمه اظهار می دارد وقتی توجه و اقبال ارباب خرد را به یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر



ملاحظه کرده برآن شده تا کتابی به همان شیوه بنگارد و آن را تکمیل نماید. بنا به گفته مؤلف در مقدمه، وی دو بار به نگارش این کتاب اقدام کرده است نخستین بار آن را به ابو الحسن محمد بن عیسی کرجی اهدا و مجدداً آن را تنقیح و باز نویسی کرده و مواردی را بدان افزوده است (ثعالبی، تتمه، ۱/۱؛ جادر، ۱۴۵). ایجاز در شرح حالها و دوری از تحلیلهای نقادانه از ویژگیهای تتمه شمرده شده است (جادر، ۱۴۶) همین ایجاز است که فضایی بوجود آورده تا مؤلف بتواند شرح حال ۲۰۸ تن را در دو مجلد کم حجم ارائه نماید. حوادث ذکر شده در تتمه که متعلق به ۴۲۴ق است گواه خوبی است که می توان به استناد آن گفت آخرین نسخه تتمه پس از این سال نوشته شده است (جادر، ۱۴۵). نسخه های خطی تتمه در پاریس (شم: 3308)، برلین (شم: 7407) و نیز وین (شم: ۳۶۵) نگهداری می شود (رک: بروکلمان، ذیل، 500-1/499؛ فهرست وین). تتمه الیتیمه نخستین بار در تهران در ۱۳۵۳ق/۱۹۳۵م به کوشش دانشمند فقید عباس اقبال در ۲ جلد منتشر شده است. بروکلمان هنگام برشمردن ذیلهایی که بر یتیمه /الدهر نوشته شده است نسخه اقبال را معرفی می کند (ذیل، 1/500). جلد نخست این اثر تتمه بخش اول (فی محاسن اهل الشام و الجزيرة) تا سوم (فی محاسن اهل الری و همذان و اصفهان و سایر بلاد الجبل) را در بردارد و به شکل مستقل مشتمل است بر فهرست اسماء رجال، اسامی بلاد و امم و قبائل و اسامی کتابهایی که در تتمه نام برده شده است. مرحوم اقبال در آغاز کتاب تتمه مقدمه ای به زبان فارسی نگاشته که شرح حال ثعالبی، معرفی یتیمه /الدهر و تتمه الیتیمه را در بر دارد. این مقدمه در عین اختصار بسیار جامع است و بر دقت نظر ناشر دلالت دارد. مثلاً وی به استناد یک بیت شعر که یاقوت در شرح حال ابوالعلاء معری به نقل از ثعالبی آورده و مقایسه با شرح حال ابو العلاء در یتیمه دریافته که آن بیت شعر مربوط به ابوالعلاء نیست و متعلق است به ابوالقاسم المحسن بن عمرو بن المعلی و بدینسان نتیجه می گیرد نسخه ای که یاقوت از تتمه در اختیار داشته ناقص بوده است (اقبال، مقدمه تتمه، ۱/۶-۷). نسخه خطی ای که اقبال برای انتشار تتمه در اختیار داشته نسخه منحصر بفرد کتابخانه ملی پاریس شم: 3308 بوده که خط نسخ بسیار عالی داشته<sup>۱</sup> و به استثنای برخی اغلاط و سهو القلمها در نهایت درجه نفاست و صحت است (همان، ۷). مرحوم اقبال نسخه پاریس را بدون هرگونه دخل

<sup>۱</sup> نساخ این نسخه خطی ابراهیم بن احمد قلعی است (ثعالبی، تتمه الیتیمه، ۲/۱۱۶)

و تصرف به طبع رسانیده و آنچه را غلط پنداشته بادقت در جدولی به همراه شکل صحیح به پایان جلد اول افزوده است. وی در پایان مقدمه خود می نویسد: «در ابتدا در نظر بود که تمام اقسام اربعه یتیمه<sup>۱</sup> در یک جلد طبع و نشر شود ولی به علت کم بودن حروف درشت مطبعه و وقت زیادی که صرف طبع آن می شد بعد از فراهم آمدن حروف نو دیگری جهت مطبعه سه قسم اول کتاب را که به حروف درشت تر طبع شده بود در یک مجلد قرار دادیم و برای آن فهرسی مخصوص مرتب کردیم و جزء دوم را بحروفی ریزتر مشغول طبع شدیم تا در همان حالی که کار جزء اول تمام میشود جزء دوم نیز بتدریج فراهم آید...» (مقدمه تتمه، ۸/۱). همین امر سبب شده جلد دوم تتمه به فصل چهارم کتاب که موضوع آن شعرا، ادبا و صاحب منصبان آن بخش از ایران اختصاص یابد که بیش از همه در تاریخ ادبیات ما موضوع بحث و توجه می شود یعنی خطه خراسان قدیم و نواحی مجاوره آن که در واقع قسمت اعظم و اهم تتمه نیز به شمار است (اقبال، مقدمه تتمه، ۸/۱). جلد دوم تتمه نیز مانند جلد نخست هم فهرست اعلام، بلاد و کتب دارد هم جدول خطا و صواب. جداولی که مرحوم اقبال در پایان جلد اول و دوم برای اشاره به اغلاط نسخه خطی پاریس فراهم کرده نشان می دهد وی برای ارائه شکل صحیح و گاه ضبط واژه ها به فرهنگهای لغت مراجعه نموده است. رویکرد دانشمند فقید اقبال به تصحیح کتابهایی از این دست بدون تردید بروسعت نگرش و بینش او گواهی می دهد و دقت و وسواس علمی بکار گرفته شده برای احیاء بخشی پر اهمیت از میراث کهن حکایت از خلوص وافر در مسئولیت علمی ایشان دارد و همین همت و اراده تحسین آمیز، آثاری ارزشمند آفریده که مورد استناد اهل تحقیق قرار می گیرد و از آن جمله است تصحیح تتمه الیتیمه و احیای آن بگونه ای که به عنوان نخستین چاپ از کتاب مذکور از آن یاد می شود و به ثبت رسیده است. در ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م دکتر مفید محمد قمیحه به شرح و تحقیق یتیمه الدهر ثعالبی اقدام می کند و تتمه الیتیمه را به استناد چاپ اقبال به عنوان جلد پنجم بدان می افزاید. تنها مزیتی که چاپ قمیحه در مقایسه با چاپ اقبال دارد این است که در چاپ قمیحه به شکل گذاری اسامی خاص و واژه ها و برخی ابیات توجه بیشتر گردیده و معادل عربی تعدادی از کلمات نیز در پاورقی ها افزوده شده است.

<sup>۱</sup> مراد تتمه است.

## مآخذ:

- (١) آذرنوش، آذرتاش، *چالش میان فارسی و عربی*، تهران، ١٣٨٥ ش.
- (٢) ابن بسام شنترينی، علی، *الذخيرة فی محاسن اهل الجزيرة*، با مقدمه طه حسين، قاهره، ١٣٥٨ ق/ ١٩٣٩ م.
- (٣) ابن خلکان، احمد، *وفیات الاعيان و انباء اهل الزمان*، لوح فشرده الموسوعة الشعرية، النسخة الثانية، ٢٠٠١ م.
- (٤) اقبال، عباس، مقدمة *تنمية اليتيمة*، تهران، ١٣٥٣ ق.
- (٥) امين، احمد، *ظهر الاسلام*، بيروت، دارالكتاب العربي، تاريخ مقدمه ١٣٦٤ ق/ ١٩٤٥ م.
- (٦) بغدادی، اسماعيل پاشا، *هدية العارفين*، لوح فشرده اهل البيت.
- (٧) ثعالبي، عبد الملك، *يتيمة الدهر فی محاسن اهل العصر*، به كوشش مفيد محمد قميحه، بيروت، ١٤٠٣ ق/ ١٩٨٣ م.
- (٨) جادر، محمود عبدالله، *الثعالبي ناقدًا و اديبًا*، بغداد، ١٣٩٦ ق/ ١٩٧٦ م.
- (٩) حاجي خليفه، *كشف الظنون*، بيروت، ١٤١٤ ق/ ١٩٩٤ م (دارالفكر للطباعة والنشر).
- (١٠) حسين، طه، مقدمه بر *الذخيرة فی محاسن اهل الجزيرة* اثر ابن بسام، قاهره، ١٣٥٨ ق/ ١٩٣٩ م.
- (١١) حسيني، محمد باقر، *جاحظ نيشابور*، مشهد، ١٣٨٢ ش.
- (١٢) سرکيس، يوسف البان، *معجم المطبوعات العربية*، قاهره، ١٣٤٦ ق/ ١٩٢٨ م.
- (١٣) سزگين، فؤاد، *تاريخ التراث العربي*، ترجمه عربی توسط عرفه مصطفى و مازن عماوى، ١٤٠٨ ق/ ١٩٨٨ م.
- (١٤) همو، فؤاد، *تاريخ نگارشهای عربی*، تهران، ١٣٨٠ ش.
- (١٥) صفدى، خليل، *الوافى بالوفيات*، لوح فشرده الموسوعة الشعرية، النسخة الثانية، ٢٠٠١ م.
- (١٦) عواد، كوركيس، *فهارس المخطوطات العربية فى العالم*، منشورات معهد المخطوطات العربية المنظمة العربية للترتية و الثقافة و العلوم.
- (١٧) فاخورى، حنا، *تاريخ الادب العربى*، تهران، نشر توس، ١٣٧٧ ش.

١٨) فهرست كتب خطي متعلق به دانشمندان و علمای اسلامی کتابخانه ملی وین، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران – وین، ١٣٧١ ش.

١٩) قمیحة، مفید محمد، مقدمة *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر* اثر ثعالبی، بیروت، ١٤٠٣ ق/ ١٩٨٣ م.

٢٠) کحاله، عمر رضا، «مخطوطات و مطبوعات، یتیمه الدهر للثعالبی»، *مجلة المجمع العربی*، دمشق، ١٣٦٤ ق/ ١٩٤٥ م.

٢١) کرد علی، محمد، *کنوز الاجداد*، دمشق، ١٣٧٠ ق/ ١٩٥٠ م.

٢٢) مبارک، زکی، *النشر الفنی فی القرن الرابع*، بیروت، دارالجليل، ١٣٥٢ ق/ ١٩٣٤ م.

٢٣) محی الدین عبدالحمید، محمد، مقدمه *یتیمه الدهر* اثر ثعالبی، قاهره، ١٣٦٦ ق/ ١٩٤٧ م.

٢٤) یاقوت، *معجم الادباء*، لوح فشرده الموسوعة الشعرية، النسخة الثانية، ٢٠٠١ م.

نیز:

25) Ahlwardt, W., *Verzeichniss der arabischen Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Berlin*, 1887-1899, 10 vols;

26) Brockelmann, Carl, *Geschichte der Arabischen Literatur*, Leiden, 1943. & *Supplement*, 1937.

27) Browne, Edward, *Muhammadian Manuscripts, including all those written in the Arabic Character Preserved in the library of the university of Cambridge*, Cambridge, 1900.

28) Derenbourg, H., *Les Manuscrits arabes de l'Escorial*, Paris, 1884.

29) Hetti, Philip K., *Garret collection of the Arabic Manuscripts in the Princeton university Library*, Princeton, 1938

30) *Jurnal Asiatique*, Paris.

31) Maulavi Muinuddin Nadwi, *Arabic and Persian Manuscripts in the Oriental Public Library At Bankipore*, Calcutta, 1927.

32)Pertsch,w.,*Die arabischen Handschriften der herzoglichen Bibliothek zu Gotha*,Gotha,1883.

بازخوانی و ویرایش ۱۱ دیماه ۱۴۰۳ / ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴